

گفت و شنود



• چرا در نمازهای جمعه، با وجود برخی از موانع از قبیل سرما و گرما و غیره، سوره‌های بلند جمعه و منافقین خوانده می‌شود؟

□ روایت صحیح و معتبری وجود دارد که در آن به خواندن سوره‌های جمعه و منافقین در نماز جمعه سفارش شده است. از طرف دیگر انسان باید در انجام عبادات قدری خود را به زحمت بیندازد و آدمی بدون سخنی ورنج به کمال مطلوب نخواهد رسید.

در روایات متعددی نیز وارد شده که علامت دوستی و محبت خدا نسبت به بندهٔ خویش این است که او را در حوادث دنیا به ناملایمات دچار می‌سازد.

• کف زدن در مجالس جشن و سرور چه حکمی دارد؟

□ کف زدن کار خوبی نیست و شرعاً مقدس آن را نمی‌پسندند. مرحوم شیخ انصاری در کتاب مکاسب ضمن تذکر این نکته که خداوند در قرآن مؤمنین را از لهو و لعب نهی کرده است، می‌فرماید: مصداق روشن لهو: کف زدن و رقصیدن است و چنانچه لهر را از محرمات بشماریم، طبق نظر شیخ رقصیدن و کف زدن اشکال تحریمی دارد. من نمی‌خواهم فتوا به حرمت کف زدن بدهم، اما این را می‌توان گفت که مؤمنی که از مغریت و آمرزش خود بی‌خبر است و نمی‌داند اهل بهشت است یا جهنم! چنانچه کف بزند و رقصد، ملائکه بر او نیشخند می‌زنند از این رو بهتر است که مسلمانان از این گونه امور اجتناب نمایند.

• آیا انبیا و امامان علیهم السلام در سنین طفولیت نیز معصوم بوده‌اند؟

اخلاق اسلامی

آیه الله مشکینی

□ بلی، علت عصمت پیامبران و امامان در دوران کودکی معرفت آنان به ذات مقدس خداوند است. امامان و اولیای خدا به فیح گناه پی برده اند، بدین جهت اگر خداوند هم دستوره ترک گناهان نمی داد، آنان به رذالت گناه آلوده نمی شدند. مثل این که از کسی بخواهند لباسهایش را درآورده و در میان مردم لخت و عریان ظاهر شود؛ که او هرگز چنین کاری را نمی کند حتی اگر به قیمت جاننش تمام شود.

اصولاً معرفت به کار زشت انسان را از ارتکاب به آن باز می دارد. در برخی از روایات وارد شده است که چون خداوند انبیا و اولیا را برای خود می خواهد، فرشتگانی را بر آنان موکل کرده است تا از عطا و اشتباه آنان جلوگیری کنند. حتی ادله ما شاهد است بر این که انبیا و امامان علیهم السلام قبل از نبوت و امامت خویش نیز از گناه و عصیان مصون بوده اند.

● آیا بین پیامبران و امامان از جهت فضل و کمال، ویا علم و دانش، تقدم و تاخر وجود دارد؟

□ آری، برخی از انبیا و اولیا نسبت به بعض دیگر از نظر مقام و مرتبه بالاترند. در سوره بقره، آیه ۲۵۳ آمده است: «تلك الرسل فضلنا بعضهم على بعض»، یعنی ما برخی از پیامبران را بر بعض دیگر برتری دادیم. مثلاً حضرت عیسی افضل از حضرت یحیی است. و یا در قرآن آمده است که حضرت لوط ایمان به حضرت ابراهیم آورد؛ یعنی با این که آنها هردو نبی مرسلند، لکن حضرت ابراهیم مقدم بر لوط است.

در مورد امامان نیز به همین ترتیب است. در اصول کافی وارد شده است که «علی

افضلنا و علی اعلمنا» یعنی حضرت علی علیه السلام بر سایر امامان از جهت فضل و دانش برتری دارد.

در زمان مرحوم آیه الله حجت در مدرسه فیضیه بحثی پیش آمد که آیا امامان با یکدیگر فرق دارند یا از نظر علمی و ایمانی یکسانند؟ من این مطلب را از مرحوم حجت سؤال کردم، ایشان فرمودند: مراتب خمس طیبه یعنی حضرت پیامبر و حضرت علی و حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین به همین ترتیبی است که ذکر شده اند. یعنی پیامبر در رتبه اول است، آنگاه علی علیه السلام از سایرین افضل است. سپس نوبت به حضرت فاطمه و امام حسن و امام حسین می رسد و بعد از امام حسین از میان آن که نفر دیگر، حضرت بقیه الله از سایرین افضل است و دیگر ائمه پس از حضرت حجت به ترتیب بر یکدیگر تقدم دارند.

اما آنچه در این میان اهمیت دارد آن است که همه پیامبران و امامان از افق فکری ما برتر و بالاترند و دیگران را هرگز نباید با آنان مقایسه نمود.

● تفسیریه رأی چیست؟
□ تفسیریه رأی این است که انسان بر اساس ظن و گمان خویش و بدون دلیل شرعی قرآن را بر خلاف ظاهر آن معنی کند و یا به عبارت دیگر تفسیریه رأی یعنی تفسیر قرآن بر خلاف ظاهر آن بدون دلیل شرعی.

اما تعیین مصداق برای آیات قرآن تفسیریه رأی نیست. مثلاً در آیه شریفه «ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنة...» اساس، دعوت به راه حق است به وسیله حکمت و موعظه نیکو. تعیین مصداق برای کسی که می خواهیم او را به سبیل حق

دعوت کنیم، تفسیریه رأی نیست. گاه مدعو ما یک کمونیست ضد دین است، گاه منافقی را به راه حق دعوت می کنیم، گاه دیگر یهود و نصاری مخاطب ما هستند، تمامی اینان مصداق مدعوبین در این آیه شریفه هستند در عین حال که تفسیر به رأیی صورت نگرفته است.

● برای اجتناب از گناه چه باید کرد؟

□ این مسئله پرسیدنی نیست، مثل این که کسی که می خواهد با حریف خود کشنی بگیرد، سؤال کند: چه کنم تا بتوانم حریفم را به زمین بزنم؟ راه چاره در این موارد سؤال و پرسش نیست، او باید آنقدر مغلوب حریف شود تا قدرت بیابد و نیز روندی لازم را برای غلبه بر حریف خویش کسب کند.

شما نیز اگر بخواهید گناه نکنید، خداوند این جهان را برای امتحان و آزمایش شما فراهم کرده است. آن قدر باید با نفس مبارزه کنید و با وجود مشکلات و مواقع بر نفس خویش پیروز شوید تا ملکه عصمت از گناه در شما پدید آید.

در این خصوص به آنچه از واجبات و ترک معاصی می دانید عمل کنید، شما با خود عهد کنید که پس از این گناه نکنید، خدا نیز وعده داده است که از گناهان پیشین شما درگذرد.

● مفهوم یگانگی سیاست و دینداری در مکتب اسلام چیست؟

□ در شریعت اسلام پیشوایان معصوم «ساسة الخلق» [سیاستمداران مردم] شمرده شده اند. سیاست به مفهوم کلی آن یعنی اداره امور مملکت از قبیل انتظام

بخشیدن به وضع ارتش و اقتصاد و اموال عامه و خاصه و جنگ و صلح و نظایر آن.

در حکومت اسلامی سیاست عین دیانت است و این همان مفهومی است که مرحوم شهید سید حسن مدرس همواره بر آن تأکید ورزیده و جان خود را نیز در راه آن فدا نموده است.

نماز جمعه، نماز جماعت و حج ابراهیمی از جمله اموری هستند که به وضوح یگانگی دیانت و سیاست را به اثبات می‌رسانند.

● نعمتهای بهشت یا عذاب جهنم مادی است یا معنوی؟

□ در روز قیامت همگی ما با اجسام مادی خویش محشور می‌شویم. خداوند همین اجسام را به جهان آخرت خواهد آورد و ما با همین شکل و فیصافه و با همین فد و قامت وارد محشر می‌شویم. آنگاه بهشتیان با همین بدن به بهشت و دوزخیان نیز با همین بدن به جهنم روانه می‌شوند.

قرآن ناظر به این معناست که ارواح انسانها پس از مرگ در محل مخصوص خویش باقی می‌مانند و در قیامت به اجسام آنان ملحق شده و آنگاه به بهشت یا دوزخ هدایت می‌شوند.

● راه اخلاص در عمل چیست و آیا اگر انسان در عملی به ریا مبتلا شده ترک آن کار شایسته است؟

□ اخلاص پس از ممارست فراوان حاصل می‌شود. مخصوصاً اگر انسان بخواهد ندامی اعمال خویش را خالص انجام دهد کار بسیار مشکلی است.

اعمال آدمی نوعاً خالص انجام می‌گیرد، شیطان است که می‌آید و اخلاص آنها را از بین می‌برد.

شما توجه به شیطان نکنید و تا می‌توانید جهت فکری خود را به سوی خدا متمایل سازید.

در روایتی وارد شده است که هر گاه شیطان به سراغ شما آمد تا شما را دچار وسوسه کند (حتی اگر در بین نماز بودید) بگویید: «امنت بالله و رسوله» یعنی من ایمان به خدا و رسول آورده‌ام. شیطان از ایمان مؤمن گریزان است.

اخلاص نیز به تدریج حاصل می‌شود و کسب آن جز با تکرار و توجه و فضل خداوند میریست.

● آیا انسان می‌تواند از خداوند برای خود طلب مرگ کند؟

□ طلب مرگ خوب نیست، مگر این که برای انسان عارضه‌ای رخ دهد که در آن راهی برای نجات دنیوی نباشد. مثلاً پیرمرد سالخورده‌ای که رفته رفته زندگیش سخت‌تر می‌شود، عیسی ندارد که از خدا مرگ خویش را بخواهد؛ البته این مسئله نباید جنبه شکایت و ناسیاسی داشته باشد، بلکه باید منظور، ترک فیض مقام ربوبی باشد. انسان می‌تواند به جای این که از خدا مرگ خویش را بخواهد طلب فرج و گشایش کند.

پیامبر گرامی اسلام قرآن می‌خواند، به آیه سی و سوم از سوره یوسف رسید که در آن از زبان حضرت یوسف می‌گوید: «رب السجن احب الی مما یدعوننی الیه». خداوند! زندان برای من بهتر از چیزی است که این زنان از من درخواست می‌کنند.

پیامبر اسلام پس از تلاوت این آیه فرمودند حضرت یوسف از خدا زندان خواست، خداوند نیز خواسته او را اجابت کرد و او را به زندان افکند، اما اگر از خدا

نجات خواسته بود، خداوند تحقیقاً او را نجات می‌داد. آدمی نیز شایسته است که به جای مرگ، نجات از گرفتاری خودش را از خداوند درخواست کند.

● چگونه می‌توان به شایسته‌ترین وجه «خودسازی» کرد؟

□ بهترین راه این است که شما آنچه را که از وظایف شرعی شنیده و یا فهمیده‌اید، به خوبی عمل کنید.

امام صادق علیه السلام در این خصوص می‌فرماید: هر کسی به انجام واجبات و ترک محرمات به گونه‌ای که فهمیده است، پایبند باشد، راه سعادت یافته است.

هر چه بر علم شما افزوده می‌شود، سعی کنید عمل شما نیز افزون گردد. راه این است و برای رسیدن به سعادت باطنی از این طریق حرکت نمود.

● راجع به سلام و جواب سلام قدری توضیح دهید.

□ امام صادق علیه السلام در روایتی می‌فرماید: بلند سلام کنید و اگر دیگران نیز به شما سلام کردند، بلند جواب گوید. به گونه‌ای نباشد که دیگران بتوانند به سلام و یا جواب سلام شما ابراز بگیرند که: «چرا سلام نکردید؟» و یا «چرا سلام کردم، جواب ندادید؟» و این تنها به دلیل آهسته سلام کردن و یا آهسته جواب دادن شما باشد.

«... افشوا السلام فی العالم» سلام کردن یکی از بهترین شعارهای مسلمین است که باید آن را افشا نمود و کاملاً رها بیان کرد.

خدای رحمت کند شهید محراب آیه الله

مدنی را که در دوران طلبگی، روض سلام کردن و جواب گفتن را عملاً به ما آموخت. آن شهید سعید هر گاه به ما می‌رسید، با این که ما طلبه‌ای تازه‌وارد بیش نبودیم، چنان زیبا و رسا سلام می‌کرد که ما شرمنده می‌شدیم.

و یا مرحوم شهید آیه الله صدوقی که من هر چه کردم یکبار زودتر به ایشان سلام کنم موفق نشدم. به یاد دارم که روزی ایشان را در گورچه‌ای دیدم که از دور به سمت من می‌آمد؛ تصمیم گرفتم که این بار من جلوتر به ایشان سلام کنم اما آن شهید بزرگوار از دور به من سلام کرد و مرا آموخت آنچه باید بیاموزم.

• مراد از ریاضت‌های حلال چیست؟

□ ریاضت‌های حلال در مقابل ریاضت‌هایی است که مرتاضان هند انجام می‌دهند و شرع مقدس اسلام آنها را حرام کرده است. مثلاً برخی از مرتاضان مدهای مدید دست‌های خود را بالا نگه می‌دارند، در میان آنها قدری خاک می‌ریزند و آب می‌باشند و تخم می‌کارند و آنقدر صبر می‌کنند تا آن تخم رشد کند و تبدیل به گل یا گیاهی شود.

با این که لخت می‌شوند و روزها و شبها بر روی نخته‌ای که سراسر آن از میخ پوشیده شده است می‌خوابند، بدون این که آب یا غذایی تناول کنند. این ریاضت‌ها حرام است اما خداوند بنابر قاعده طبیعی و سلسله علل و معانیل برخی از خارق‌العادگی‌ها را به آنان عطا می‌کند.

اصلاً هر گاه بدن انسان به ریخ و رحمت بیفتد، روح قوی می‌شود و بعکس هر چه تن

در رفاه و آسایش باشد روح سست‌تر و ضعیف‌تر می‌گردد.

در مقابل این گونه ریاضت‌ها، ریاضت‌های حلال است که عبارت از انجام واجبات و ترک محرمات است.

توجه و عنایت به انجام واجبات و ترک محرمات روح انسان را قوت می‌بخشد تا برای آینده خویش و جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند مفید و ثمربخش باشد.

• آیا در کرات دیگر انسان وجود دارد؟

□ صرف نظر از فرشتگان که در آسمانها و زمین وجود دارند و اجنه که ممکن است در کرات دیگر نیز باشند، از آیات شریفه قرآن معلوم می‌شود که در همه کرات آسمان موجودات زنده وجود دارد، اما آیا انسان نیز در این کرات هست یا نه! امری است که هنوز برای دانشمندان روشن نشده است.

مثلاً در آیه شریفه قرآن می‌خوانیم: «و من آیاتہ خلق السموات والأرض وما بہ فیہما من دابة» از علامات (قدرت) پروردگار این است که آسمانها و زمین را آفرید و در آنها انواع جنیندگان را منتشر نمود. از این آیه شریفه می‌توان وجود جنیندگان و حیوانات را در کرات آسمان انبساط نمود، اما وجود انسان در کرات آسمان مطلبی است که باید علم آن را در آینده، اعلان نماید.

• در آیه شریفه «اطيعوا لله واطيعوا الرسول واولی الامر منکم» مراد از «اولی الامر» کیست؟

□ اولوالامر یعنی صاحبان فرمان. نظر شیعه با اهل سنت در خصوص اولوالامر متفاوت است.

اهل سنت خصوصاً پیروان احمد بن حنبل که یکی از پیشوایان بزرگ اهل سنت است اعتقاد دارند که هر کس که بر مبنای سلطه پیدا کرد و آنان را تحت قدرت و نفوذ خود قرار داد، اولوالامر آنان محسوب می‌شود! چه خدا او را تعیین کند و چه خود بر سرکار آید.

بر طبق این اعتقاد اگر سلاطین جور نیز پس از کشتن و مجروح کردن و با برنمودن عده‌ای از مظلومان بر مردم مسلط شوند، مصداق اولوالامر می‌گردند و آنگاه طبق آیه شریفه، اطاعت و فرمانبرداری از آنان واجب است! یعنی بزیده، هارون الرشید، معتصم عباسی، منصور دوانیقی و... چون مدنی حاکم و فرمانروای مردم بوده‌اند، مصداق اولوالامر بوده و خداوند اطاعت آنان را در قرآن واجب کرده است!

امین نظریه را می‌توان در کتتاب «الاحکام السلطانیه» که از کتب معتبر اهل سنت است مشاهده نمود.

اما از نظر شیعه اولوالامر کسی است که با خدا او را صاحب امر و فرمان نموده و بر مردم مسلط کرده و با اولوالامر خدا، او را اولوالامر گردانیده است.

به این ترتیب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، اولوالامر مردم است که از جانب خدا بلا واسطه انتخاب شده است؛ امام معصوم نیز اولوالامر است لکن از ناحیه پیامبر برگزیده شده و ولی فقیه واجد شرایط نیز اولوالامر منتخب امام معصوم است.

شیعه اولوالامر را منسوب به خدا دانسته و ولایت او را شعبه‌ای از ولایت خدا می‌شمارد، از این رو اطاعت او را واجب می‌داند.

ادامه دارد